

رفتارهای اجتماعی امام رضا علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین سید سجاد ایزدهی*

اشاره

انسان، موجودی اجتماعی بوده و در زندگی خویش ناگزیر از ارتباط و تعامل با دیگران است؛ چنانکه رشد و تأمین سعادت آدمی، در گرو توسعه همه‌جانبه جامعه بوده، تعالی جامعه نیز در گرو رفتارهای اجتماعی افرادی است که در آن زندگی می‌کنند.

جوامع مختلف، متناسب با مبانی فرهنگی و ارزشی خویش، اهداف مختلفی را برای سعادت فردی و اجتماعی انسان در نظر می‌گیرند و همین امر، موجب شده است که این جوامع، گونه متفاوتی از رفتار اجتماعی را برای انسان‌ها توصیه کرده و در نتیجه، سبک‌های گوناگونی از زندگی اجتماعی شکل بگیرد.

مطابق آموزه‌های غربی، سبک زندگی مادی غرب و رفتارهای اجتماعی شهروندان آن، در سایه اموری چون: تأمین رفاه و آسایش، کسب لذت، تکاثر اموال و سلطه بر دیگران معنا می‌یابد؛ اما دین اسلام، با عنایت به آموزه‌هایی که در کتاب و سیره اهل بیت علیهم السلام ارائه شده است، گونه‌ای متمایز از رفتارهای افراد را در عرصه اجتماع سفارش نموده است.

گرچه فهم مبانی، مؤلفه‌ها و راهکارهای رفتاری در این سبک زندگی اجتماعی را می‌توان در آموزه‌های قرآنی و روایی جست‌وجو کرد، اما از آنجا که این بخش از سبک زندگی عمدتاً در سایه رفتارهای انسانی جلوه‌گر می‌شود، فهم و دستیابی به این گونه از سبک زندگی، به دنبال بازخوانی جنبه‌های زندگی برخی الگوهای رفتاری، آسان‌تر و عملی‌تر خواهد بود.

الگوهای متعددی به عنوان شاخص رفتارهای مطلوب اجتماعی در مکتب اسلام وجود دارند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به سیره انسان‌ساز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

اشاره کرد که با توجه به معصوم بودن ایشان، رفتارهای بی‌نظیر اخلاقی و انسانی از آن بزرگواران به یادگار مانده و تاسی به آنها به سلامت ظاهری و معنوی جامعه می‌انجامد. البته هم‌جهت بودن رفتارهای اهل بیت علیهم‌السلام، منافاتی با این نکته ندارد که بعضی از پیشوایان دین اسلام در شرایط خاص، رفتاری متفاوت با برخی دیگر از امامان انجام داده‌اند.

از جمله امامانی که رفتارهای ایشان، الگویی مناسب در سبک زندگی اجتماعی به شمار می‌رود، امام رضا علیه‌السلام است که از نظر حضور در عرصه‌های مختلف دینی، سیاسی و اجتماعی، جلوه‌های فراوانی از رفتارهای ایشان، ثبت شده است. این نوشتار درصدد است تا ضمن بازخوانی برخی رفتارهای امام رضا علیه‌السلام، سبک و روشی خاص از زندگی اجتماعی را به منظور پیروی شیعیان در زندگی‌شان ارائه نماید.

مبانی رفتارهای اجتماعی

دین اسلام، بیشتر از اینکه دارای آموزه‌های فردی و اخلاقی باشد، ارائه‌دهنده آموزه‌های اجتماعی و سیاسی است و معمولاً اهداف این آیین کامل الهی، از بستر اجتماع گذر می‌کند. بر این اساس، بسیاری از مبانی دین اسلام ضمن تأکید بر حضور مؤثر در جامعه، بر رویکرد و راهکارهای خاصی عنایت دارد که به رفتارهای مطلوب در جامعه می‌انجامد. در اینجا با توجه به سیره امام رضا علیه‌السلام به شماری از این مبانی می‌پردازیم.

۱. رعایت کرامت انسانی

ارج نهادن به حقوق انسانی، از دیرباز مورد توجه اندیشمندان و عالمان در فرهنگ‌های مختلف بوده است. از این رو، امروزه همگی بر اصل عدم تبعیض و برابری انسان‌ها توافق دارند. البته جهان غرب که مدعی شعار حقوق بشر است، در سال‌های دور (قرون وسطی) مهد تبعیض میان افراد بشر بود و حال آنکه در همان زمان، آیات و روایات اسلامی، بر کرامت و حفظ جایگاه انسانی به دور از هر گونه تبعیض تأکید می‌نمود؛ چنانکه در قرآن کریم آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»^۱ ای مردم! ما همه شما را از مرد و زن

۱. سوره حجرات، آیه ۱۳.

آفریدیم و آنگاه گروه‌های مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید. گرامی‌ترین شما نزد خداوند، پرهیزکارترین شما است.»

بنابراین، در حالی که عالمان دینی غرب که با امام رضا علیه السلام هم‌عصر بودند، به بهانه‌های واهی، تبعیض میان مردمان روا می‌داشتند، اما آن امام همام، بر این باور بود که انسان‌ها بندگان خداوند و منشأ کمال الهی ایشان، ارتباط با خداوند و دستیابی به فضیلت‌های انسانی است و ملاک برتری افراد بر یکدیگر، نه رنگ، نژاد، سرمایه و جایگاه اجتماعی، بلکه ارتباط با خداوند است.

اباصلت می‌گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: مردم می‌گویند: «شما مردمان را بندگان خود می‌شمارید!» امام علیه السلام ضمن اینکه این سخن را ادعا و اتهام برشمرد، فرمود: «اگر مردمان بردگان ما هستند، ما آنان را از چه کسی خریده‌ایم؟»^۱

اقتضای کرامت انسانی این است که مردم به دلیل بالا یا پایین بودن جایگاه اجتماعی‌شان، نباید از امتیاز خاصی بهره‌مند بوده یا بی‌بهره باشند. از این رو، هیچ‌گاه امام رضا علیه السلام به غلامان و بردگان خود بد نگفت؛ بلکه هنگامی که سفره انداخته می‌شد، همه غلامان و خادمان، حتی دربان و میرآخور را به سفره غذا می‌نشاند.^۲

از عبدالله بن صلت نقل شده که: «من در سفر امام رضا علیه السلام به خراسان، در خدمت ایشان بودم. دستور فرمود که سفره غذا را پهن کنند. در کنار سفره ایشان، تمام غلامان آن حضرت از سیاهان و غیر آنها گرد آمدند. من به آن جناب عرض کردم: فدایت شوم. کاش برای اینها سفره جداگانه‌ای انداخته می‌شد. امام علیه السلام فرمودند: پروردگار ما، یکی است و پدر و مادر ما هم یکی، و پاداش همه بر اساس کردار است.»^۳

«هرگز اتفاق نیفتاد که امام رضا علیه السلام در سخن گفتن به کسی جفا کند. هر که با او گفت- و گو می‌کرد، کلامش را قطع نمی‌کرد و فرصت می‌داد تا آخرین سخن خود را بگوید. اگر کسی حاجتی نزد او می‌آورد، در صورت امکان ابداً او را مأیوس نمی‌کرد. ندیدم در

۱. صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ش، ج ۲، ص ۱۸۴.

۲. همان، ص ۱۵۹.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۳۰.

حضور کسی پایش را دراز کند و تکیه بزند. سراغ ندارم که به غلامانش ناسزا بگوید. ندیدم آب دهان را به زمین بیندازد و با صدا و قهقهه بخندد؛ بلکه تنها تبسم می‌کرد.^۱ با عنایت به اینکه مطابق سیره امام رضا علیه السلام انسان‌ها از نظر حقوق جامعه و رعایت شرف انسانی، نسبت به هم برتری ندارند، ایشان مراعات کرامت انسانی نسبت به پیروان ادیان و فرقی مختلف را نیز مد نظر قرار داده و رفتار آن حضرت با آنان، عادلانه، عاقلانه و مبتنی بر انصاف، انسانیت و مهرورزی بود؛ برای مثال، یاسر، خدمت‌گزار امام علیه السلام می‌گوید: «از نیشابور نامه‌ای به این مضمون به مأمون رسید که مردی زرتشتی، هنگام مرگ وصیت کرده تا ثروت فراوانی را که از او باقی مانده، میان فقرا و بینوایان تقسیم کند. قاضی نیشابور، آن اموال را میان مسلمانان تقسیم کرده است. امام رضا علیه السلام در پاسخ به سؤال مأمون در این خصوص فرمود: زرتشتیان برای بینوایان مسلمان وصیت نمی‌کنند. نامه‌ای به قاضی نیشابور بنویس تا همان مقدار از مالیات مسلمانان بردارد و به بینوایان زرتشتی بدهد.»^۲

۲. اخلاق و مهرورزی

از امور اساسی که می‌تواند مبنای همه رفتارهای اجتماعی مطلوب محسوب شود، مهرورزی و مراعات اخلاق با مردمان است. از این رو، دین اسلام، این رفتار را سرلوحه دستورات خویش قرار داده و افراد را به آن دعوت کرده است؛ بلکه برترین رهبران دینی اسلام، بیشترین مهرورزی‌ها را در جامعه نسبت به مردم انجام داده‌اند؛ به گونه‌ای که خداوند پیامبر خویش را بدین صورت خطاب می‌نماید که:

«لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضْنَا مِنْ حَوْلِكَ»^۳ اگر تو خشن و دل‌سخت بودی، مردم از گرد تو پراکنده می‌شدند.»

امام رضا علیه السلام نیز در اخلاق همچون جد بزرگوارش، رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. مرحوم آیه الله اصفهانی در این باره سروده است:

۱. صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، پیشین، ج ۱، ص ۱۸۴.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، پیشین، ج ۷، ص ۱۶.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

«يُمِثِّلُ النَّبِيَّ فِي أَخْلَاقِهِ، فَإِنَّهُ النَّبِيُّ مِنْ أَعْرَاقِهِ»^۱ در اخلاق او، پیامبر صلی الله علیه و آله جلوه‌گر می‌شود؛ چرا که او برخاسته از ریشه‌های نبوی است.

از همین رو، ایشان با مردم ارتباطی نزدیک برقرار کرده و با آنها انس می‌گرفتند و منزل آن حضرت، معمولاً محل رفت‌وآمد مردم بود و اقشار مختلف با ایشان هم‌سخن می‌شدند. بر اساس شهادت تاریخ، امام رضا علیه السلام هیچ‌گاه کسی را به دیده تحقیر مورد خطاب قرار نداده و محبت خود را از اطرافیان دریغ نمی‌داشتند. چهره گشاده و متانت و مهربانی که از ایشان فراوان دیده می‌شد، سبب شده بود که مردم بدون مشکل و واسطه، آن امام علیه السلام را ملجأ خویش دانسته و مشکلات خود را با ایشان در میان می‌گذاشتند.^۲

ایشان محبت و اظهار دوستی نسبت به مردم را نیمی از عقل معرفی کرده،^۳ در برخی ادعیه‌ای که از حضرتش رسیده، خواهان بخشش، رحمت و خیرخواهی برای مردم بوده است؛ از جمله، ایشان چنین دعا فرموده‌اند:

«ای خدای کریم، از تمام مردان و زنان مؤمن که از مشرق تا مغرب زمین به سر می‌برند، درگذر و آنان را بیامرز.»^۴

اهمیت رأفت و مهربانی با مردم و عشق و محبت نسبت به ایشان، به گونه‌ای است که در زیارت‌نامه آن حضرت نیز مورد اشاره قرار گرفته است؛ آنجا که می‌خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَى الْإِمَامِ الرَّؤُوفِ؛^۵ سلام و درود بر پیشوای با رأفت و مهربان.»

امام رضا علیه السلام و رفتارهای اجتماعی

رفتارهای اجتماعی، در گستره اجتماع ظهور و بروز می‌یابند و از این جهت، در برابر رفتارهای فردی قرار می‌گیرند؛ اما با عنایت به اینکه انسان‌ها دارای ویژگی‌های متفاوتی

۱. اصفهانی، محمدحسین، دیوان الأنوار القدسیة، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۹۹.

۲. قائمی، علی، در مکتب عالم آل محمد؛ علی بن موسی الرضا علیه السلام، تهران: امیری، ۱۳۷۸ش، ص ۱۲۱.

۳. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق، ص ۴۴۳.

۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹، ص ۱۱۷: «يَا كَرِيمُ اغْفِرْ لِمَنْ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ.»

۵. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، پیشین، زیارت امام رضا علیه السلام.

بوده و جایگاه هر فرد در جامعه، مقتضی گونه مختلفی از رفتار اجتماعی است، با در نظر داشتن رفتار امام رضا علیه السلام از این لحاظ، می‌توان درکی بهتر از رفتارهای آن حضرت به دست آورد و الگویی مناسب برای افراد در این جایگاه‌ها ارائه کرد.

الف- رفتار در جایگاه عالم

اگرچه عالمان همواره شخصیت‌های فرهیخته‌ای بوده و به جهت نوع دانش و جایگاه‌شان، مورد قبول جامعه هستند، اما رویکرد عالمان در مقام فراگیری یا انتقال دانش، باید واجد الگویی باشد که در نهایت موجب شود، فضای رفتارهای آنان، از هر گونه درگیری و خللی به دور بوده و به اخلاق و خرد مزین باشد.

از این رو، رفتار امام رضا علیه السلام که به دلیل انبوه دانش و مناظراتش با اهالی ادیان و مذاهب دیگر، به «عالم آل محمد صلی الله علیه و آله» معروف شده است، بسیار در خور توجه است. امام رضا علیه السلام وقتی در جایگاه مناظره و مواجهه علمی با اندیشمندان و رهبران فکری گروه‌ها، ادیان و مذاهب مختلف عصر خود قرار می‌گیرد، با کمال احترام به یکایک پرسش‌ها، شبهات و مسائل آنان پاسخ داده و علاوه بر اینکه از حیث علمی بر دانشمندان غلبه یافته‌اند، رفتاری اخلاق‌مدار در مباحثه علمی را نیز برای همه عالمان به یادگار گذارده‌اند که در ذیل، به برخی از این رفتارهای اخلاقی و منطقی می‌پردازیم:

۱. استقبال از نظر مخالف

زمانی که غرب در قرون وسطی، سیر انحطاطی را در عرصه علم و فرهنگ می‌پیمود و فلسفه اسکولاستیک کلیسا، سیطره مستبدانه خویش را بر سایر نظرات علمی حاکم کرده و دیدگاه علمی دیگر را برنمی‌تابید، اندیشه اسلامی با راهبری امام رضا علیه السلام ضمن تبلیغ و ترویج دیدگاه اسلام اصیل، نه تنها در مواجهه با اندیشه‌های مخالف بر نمی‌آشفت، بلکه با رویی گشاده و آغوشی باز، هر اشکال و شبهه‌ای را پاسخ داده و سلطه فرهنگی خود را نه در حذف رقیب، بلکه در رویارویی عالمانه با اندیشه‌های مخالف و پاسخ مناسب به آنان جست‌وجو می‌کرد. این رویکرد اسلامی که از سوی امام رضا علیه السلام پی‌گیری می‌شد، نتایجی مطلوبی را دربرداشت که از آن میان می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- تأکید بر تبادل اندیشه و رواج منطق آزادی فکر و بیان؛

- رویکرد تقابل با مکاتب فکری مخالف و اثبات حَقانیت اسلام در سایه شیوه‌ای منطقی، عقلی و علمی؛
- ارائه الگوی رفتاری مطلوب در خصوص تعامل با پیروان سایر ادیان و مذاهب.

۲. التزام به اخلاق گفت‌وگو

نوع بیان و ادبیات ارائه شده از سوی امام رضا علیه السلام در مناظرات با سران ادیان مختلف، نمایانگر شیوه‌ای از بحث است که مطابق آن، ایشان ضمن پرهیز از هر گونه خودرأیی و کوچک کردن طرف مقابل یا سخیف شمردن منطق وی، در فرایند اخلاق‌مداری و صبر و بردباری، به روشنگری در خصوص معارف الهی پرداخته و شخص مقابل را در پذیرش یا عدم پذیرش آن، آزاد می‌گذارد.^۱

رویکرد اخلاقی و مدل رفتاری در سیره حضرت امام رضا علیه السلام در برابر اندیشمندان را می‌توان در شعر منسوب به امام رضا علیه السلام مشاهده کرد که در پاسخ به درخواست مأمون انشاد کرده‌اند:

«إِذَا كَانَ دُونِي مَنْ يُلِيْتُ بِجَهْلِهِ أَبَيْتُ لِنَفْسِي أَنْ تُقَابَلَ بِالْجَهْلِ
وَإِنْ كَانَ مِثْلِي فِي مَحَلِّي مِنَ النَّهْيِ أَخَذْتُ بِحِلْمِي كَيْهَ أَجَلَّ عَنِ الْمِثْلِ
وَإِنْ كُنْتُ أَدْنَى مِنْهُ فِي الْفَضْلِ وَالْحِجْبَى عَرَفْتُ لَهُ حَقَّ التَّقَدُّمِ وَالْفَضْلِ»^۲

«اگر گرفتار جهالت کسی شوم که شخصیتش پایین‌تر از من است، نفس خویش را باز می‌دارم از اینکه با نادانی او به مقابله برخیزد و اگر در خردمندی، مانند من و شأنش مطابق من باشد، با حلم و بردباری رفتار می‌کنم تا از مثل خود برتری جویم و از وی بالاتر باشم و اگر در فضیلت و خرد از او کمتر باشم، حق تقدم و فضل و برتری را به او می‌دهم و خودداری می‌نمایم.»

۳. مناظره با منطق مورد قبول حریف

بهترین شیوه مباحثه علمی، به گونه‌ای است که بتوان با طرف مقابل به سخنی که خودش باور دارد، استدلال کرد. از همین رو، امام رضا علیه السلام با توجه به این که اگر برای

۱. رک: صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، پیشین، ج ۱، ص ۱۷۹-۱۹۰.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۷۴.

غیر مسلمانان و پیروان دیگر ادیان، از قرآن استدلال شود، مورد پذیرش آنان قرار نخواهد گرفت، با آنان با منطق کتاب خودشان استدلال می‌کرد؛ زیرا طبیعتاً حجیت و حقانیت قرآن برای ایشان اثبات نشده است؛ چنانکه از کلام «جائلیق» مسیحی نیز استفاده می‌شود که وقتی مأمون از او برای مناظره با امام علیه السلام دعوت کرد، در جواب گفت:

«كَيْفَ أَحَاجُّ رَجُلًا يَحْتَجُّ عَلَيَّ بِكِتَابِ أَنَا مُنْكَرُهُ؛ چگونه با کسی مناظره کنم که با کتابی استدلال می‌کند که من آن را قبول ندارم.»

امام رضا علیه السلام در پاسخ فرمود: «يَا نَصْرَانِي فَإِنِ احْتَجَبْتُ عَلَيْكَ بِانْجِيلِكَ أَتَقْرُبُهُ؟»^۱ یعنی من با انجیلی که به آن اقرار داری، مناظره می‌کنم.

این پیشنهاد و اعلام آمادگی امام رضا علیه السلام به گفت‌وگو با عالم مسیحی بر مبنای اعتقادی شخص مخاطب، ضمن اینکه نشان‌گر توان‌مندی علمی امام علیه السلام و تسلط ایشان بر آموزه‌های اعتقادی ادیان و مکاتب مختلف است، از شیوه‌ای خاص در گفت‌وگو با عالمان ادیان دیگر حکایت می‌کند که بر اساس آن، باید ضمن احترام به عقاید، مقدّسات و کتب آسمانی ایشان، با زبان، منطق و مکتب خودشان با آنها مواجه شده و آنان را قانع کرد.

«از این رو است که حضرت فرموده: من با اهل تورات به تورات‌شان، با اهل انجیل به انجیل‌شان، با موبدان به شیوه پارس‌شان، با رومیان به روش خودشان و با اهل بحث و گفت‌وگو به زبان‌های خودشان استدلال کرده، همه را به تصدیق خود وامی‌دارم.»^۲

۴. مخاطب‌شناسی

مخاطب‌شناسی که از مهم‌ترین شاخص‌های الگوی رفتار ارتباطی به شمار می‌رود، موجب می‌شود انسان‌ها در تعامل با دیگران، میزان خرد آنها را سنجش کرده و به میزان عقول مخاطبان و درک صحیح از تفاوت استعداد و توان وجودی انسان‌ها، با آنان بحث نمایند؛ زیرا سزاوار است هنگام بحث با برخی افراد، استدلال دقیق به کار برد و در مقابل، در مباحثه با افرادی که از دانش کمتری برخوردار هستند، باید ضمن پرهیز از

۱. صدوق، محمد بن علی، التوحید، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ق، باب ذکر مجلس الرضا علیه السلام مع اهل الادیان، ص ۴۲۰.

۲. صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، پیشین، ج ۱، ص ۱۵۶.

ورود به مباحث پیچیده علمی و تخصصی، سطح بسیط و غیر عمیقی از مباحث را در پاسخ‌گویی به مشکلات فکری و عقیدتی آنان مورد توجه قرار داد.

بر همین اساس، می‌توان در شیوه استدلالی امام علیه السلام، توجه به ظرفیت مخاطبان و در نظر گرفتن فضای فکری و فرهنگی آنها را مورد لحاظ قرار داد؛ برای نمونه، شخصی از ثنویه (دوگانه‌پرستان) خدمت حضرت رسید و بر یکتایی وجود خداوند دلیل خواست. ایشان با توجه به میزان فهم و قدرت شناخت وی، به پاسخی اقناعی اکتفا نموده و فرمود: «اینکه تو می‌گویی خداوند دو تا است، خود دلیل بر یکتایی است؛ زیرا تو «دومی» را نمی‌خوانی، مگر آنکه اولی را اثبات کنی. پس اولی، مورد اتفاق همگان بوده و دومی، محلّ اختلاف است.»^۱ همان طور که دیده می‌شود، آن حضرت در این استدلال به اثبات خدای واحد اکتفا نموده، خدای دوم را در مرحله شک وامی‌نهد و آن را نفی نمی‌کند. طبیعی است که این استدلال، صرفاً جنبه اقناعی داشته و این نیست، مگر همان «مخاطب‌شناسی» و رعایت ظرف فکری مخاطب.

ب- رفتار به عنوان مرتبی

تربیت که فرایندی جهت کمک شخص مورد پرورش در راستای ایجاد تغییر تدریجی در ساحت‌های روحی و رفتاری به واسطه انسانی دیگر و به منظور دستیابی به کمال انسانی و اصلاح رفتارهای آدمی است، اصولاً از سوی افرادی صورت می‌پذیرد که دارای برجستگی‌های روحی بوده و دغدغه کمال و سعادت مردم را داشته باشند.

مقتضای تربیت افراد، گاهی در قالب موعظه صورت می‌پذیرد؛ زیرا موعظه، بیانی است که نفس شنونده را نرم کرده و قلب او را به رقت می‌آورد. گاهی نیز موعظه در قالب رفتار صورت می‌پذیرد. البته سیره عملی و رفتار شخصی فرد مرتبی، اثربخش‌تر و مؤثرتر از گفتار و توصیه زبانی او می‌باشد. از این رو، امام صادق علیه السلام، مرتبان جامعه را به دعوت عملی فراخوانده است:

«كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ»^۲ مردم را با غیر زبان‌تان دعوت و تبلیغ کنید.

۱. صدوق، محمد بن علی، التوحید، پیشین، ص ۲۷۰.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۷۷.

امام رضا علیه السلام مانند سایر اهل بیت علیهم السلام، تربیت و ارشاد مردم را سرلوحه رفتارهای خویش قرار می‌داد و روایات بسیاری در خصوص بازداشتن مردم از بدی‌ها و ضرورت رویکرد آنان به امور خیر از آن حضرت وجود دارد. از این رو، در زیارت آن حضرت چنین می‌خوانیم:

«أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْهَادِي وَالْوَلِيُّ الْمُرْشِدُ؛^۱ گواهی می‌دهم که تو پیشوای هدایت‌کننده و ولیّ ارشادکننده هستی.»

گفتنی است که عمده‌ترین رویکرد تربیتی آن حضرت را باید در رفتار عملی‌شان مشاهده کرد. این رویکرد تربیتی، مشتمل بر رفتارهای متفاوتی است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. رویکرد تربیتی - الگویی

این رویکرد، به معنای تربیت‌پذیری افراد بر اساس منطق الگوگیری از رفتار مربی است و میزان مقبولیت وی، موجب تأثیرگذاری او در افرادی که به ایشان علاقه‌مند هستند، می‌شود. امام رضا علیه السلام که در میان مردم و با آنان می‌زیست، اسوه رفتار مطلوب در جامعه بود و از این رو، با رفتار خویش به مردم گونه مطلوب زندگی را می‌آموخت. «محمد بن ابی‌عباد می‌گوید: فرش آن حضرت در تابستان حصیر و در زمستان پلاس بود. لباس او [در خانه] درشت و خشن بود؛ اما هنگامی که در مجالس عمومی شرکت می‌کرد، لباس‌های خوب و متعارف می‌پوشید و خود را می‌آراست.»^۲

۲. رویکرد تربیتی مبتنی بر امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر، در قرآن و روایات، محور مباحث دینی قرار گرفته است. در برخی آیات، ایمان به خدا و انجام این دو فریضه، دلیل برتری امت اسلامی ذکر شده است: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ»^۳ شما، بهترین امت هستید که برای مردم به وجود آمدید؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید.»

۱. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، پیشین، زیارت امام رضا علیه السلام.

۲. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، تهران: نشر اسلامیه، ۱۳۹۰ق، ص ۳۲۸: «كَانَ جُلُوسُ الرَّضَا علیه السلام عَلَى حَصِيرٍ بِالصَّيْفِ وَعَلَى مِسْحٍ فِي الشَّنَاءِ وَ لُبْسُهُ الْعَلِيطَ مِنَ الثِّيَابِ حَتَّى إِذَا بَرَزَ لِلنَّاسِ تَرَى لَهُمْ»

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.

نقل شده است که روزی امام رضا علیه السلام با بزرگان ادیان مختلف مناظره داشتند و سخنان بسیاری بین امام علیه السلام و حاضران ردّ و بدل شد؛ تا اینکه اذان ظهر فرارسید و امام با اعلام اینکه وقت نماز است، مناظره را قطع و دیگران را به نماز اوّل وقت فراخواندند. یکی از حاضران که عمران نام داشت، ضمن اظهار نارضایتی گفت: شاید اگر سخنانتان را ادامه دهید، مسلمان شوم. اما ایشان با تأکید بر انجام فریضه نماز اوّل وقت، انجام آن را در اولویت قرار دادند.^۱

طبیعی است که این رفتار، موجب فهم دیگران برای انجام فریضه نماز اوّل وقت شده و این رفتار امام علیه السلام، در ذهن مردم تأثیری دو چندان می‌گذاشت.

۳. برخورد مؤثر و سازنده

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: هنگامی که ولایت‌عهدی از سوی مأمون به امام رضا علیه السلام تفویض شد، یکی از دربانان مأمون وارد شد و گفت: گروهی که خود را شیعه امام علی علیه السلام می‌نامند، جلو خانه ایستاده و اجازه دیدار می‌خواهند. امام علیه السلام تا دو ماه متوالی به آنان اجازه دیدار نداد؛ تا اینکه آنان توسط دربان به حضرت پیغام دادند اگر شما را دیدار نکنیم، هنگام بازگشت به وطن نزد مردم سرافکننده خواهیم شد. امام علیه السلام گرچه به آنان اجازه دیدار داد، اما با آنها برخورد سردی نمود. وقتی آنان از دلیل این نوع برخورد حضرت سؤال کردند، امام علیه السلام رفتار آنها را سبب این قضیه اعلام کرده و فرمود: شما ادعا دارید که از شیعیان امیر مؤمنان علیه السلام هستید؛ در حالی که شما در بیشتر کارهای خویش با علی علیه السلام مخالفت نموده و در باره بیشتر واجبات و حقوق برادران دینی خود کوتاهی می‌نمایید. بدانید اگر ادعای شما توسط رفتارتان تأیید نشود، هلاک خواهید شد؛ هرچند این علاقه و محبت نسبت به علی علیه السلام، برای شما ارزنده است.

آنان در همان لحظه استغفار کردند و این عمل امام علیه السلام، درسی تربیتی برای بازگرداندن آنها به اصول و ارزش‌های اسلامی بود. سپس حضرت با عنایت به اینکه آنان شصت بار به در خانه امام آمده بودند، به دربان خود فرمود: اینک شصت بار نزد آنان برو و

۱. خسروی، موسی، زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام، ترجمه جلد ۴۹ بحار الأنوار، تهران: نشر اسلامی، ۱۳۸۰ش، ص ۱۰۲.

سلام مرا به آنها ابلاغ نما؛ زیرا خداوند به سبب استغفار، از گناهان آنان درگذشت. پس نسبت به آنان و خانواده‌های‌شان، کمک مالی کرده و هدایایی بخشید.^۱

ج- رفتار به عنوان مدیر

از جمله اموری که می‌تواند در جهت الگوی رفتار جمعی مورد توجه قرار بگیرد، چگونگی رفتار یک فرد در جایگاه مدیریت بخشی از جامعه است؛ زیرا مدیریت مطلوب، تنها در صورتی محقق می‌شود که مدیر بتواند با ارائه رفتارهای اجتماعی مطلوب، پذیرش فراگیر نزد افراد تحت مدیریت خویش بیابد. بنابراین، بخش عمده‌ای از این گونه رفتارهای اجتماعی را می‌توان در سیره امام رضا علیه السلام مشاهده کرد که الگوی خوبی برای مدیران و رفتارهای مدیریتی به شمار می‌رود.

۱. برنامه‌ریزی

از جمله اموری که می‌تواند در راستای مدیریت کلان یک مدیر مؤثر باشد، برنامه‌ریزی برای زندگی مردم است. از این رو، امام رضا علیه السلام در ارشادها و راهنمایی‌های خود به مردم می‌کوشید نظام‌مندی را در زندگی مردم حاکم سازد. پس برنامه‌ریزی و تدبیر معیشت و تعیین برنامه زندگی برای مردم را می‌توان از فعالیت‌های اجتماعی امام رضا علیه السلام ارزیابی کرد. موارد ذیل، از جمله دستورات آن حضرت برای برنامه سلوکی افراد مؤمن است که علاوه بر نظم در امور زندگی، دنیا و آخرت را توأمان مد نظر قرار داده است:

۱. بخشی از امور زندگی باید در ارتباط و راز و نیاز با خداوند صرف شود.
۲. بخشی دیگر برای امور معاش و گذران زندگی تنظیم گردد.
۳. بخشی از زندگی برای معاشرت با دوستان مورد اعتماد که یادآور عیوب دوست خود بوده و در باطن با آنان اخلاص می‌ورزند، قرار داده شود.
۴. و بخشی دیگر از زندگی باید برای بهره‌گیری از لذات مشروع قرار داده شود؛ زیرا با استفاده از این اوقات است که افراد، قادر به تلاش در زمان‌های دیگر هستند.^۱

۱. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۴۰.

۲. مشورت

از شایسته‌ترین اموری که مدیر باید آنها را رعایت نماید، عدم استبداد به رأی و مشورت با دیگران برای دستیابی به راهکارها و تصمیم‌های مناسب جهت تدبیر امور است.

بر همین اساس، امام رضا علیه السلام با اهل منزل، برخی دوستان و حتی با بعضی غلامان و خدمت‌گزاران مشورت می‌کرد؛ به عنوان نمونه، از معمر بن خلاد نقل شده: «هنگامی که یکی از غلامان امام رضا علیه السلام درگذشت، امام علیه السلام به من فرمود: فردی با فضیلت و امانت‌دار را به من معرفی کن. با شگفتی اظهار داشتم: چگونه من کسی را به شما معرفی نمایم، در حالی که شما دانای به همه امورید. امام علیه السلام، مشورت پیامبر صلی الله علیه و آله را مورد اشاره قرار داد و فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله با یارانش مشورت می‌کرد. آنگاه در باره آنچه می‌خواست، تصمیم می‌گرفت.»^۲

امام رضا علیه السلام در خصوص مطلوب بودن این سیره اجتماعی، از پدر بزرگوارشان یاد کرده و می‌فرمودند:

«با اینکه عقل او بر تمام مردم برتری داشت و هیچ عقلی با او برابری نمی‌کرد، با این حال، در بسیاری از وقت‌ها با یکی از غلامان سیاه‌پوست خود مشورت می‌کرد. به آن حضرت گفته شد: آیا با چنین کسی مشورت می‌کنی؟ در پاسخ فرمود: چه بسا خدای بلندمرتبه مشکلی را با زبان چنین شخصی برطرف نماید. بسیاری از اوقات، در باره مزرعه یا باغ، آن حضرت را راهنمایی می‌کردند و ایشان بدان پیشنهادها عمل می‌کرد.»^۳

۳. رفتار شایسته با زبردستان

بسیاری از مدیران با فرصت‌طلبی از جایگاه مدیریتی خویش، زبردستان را بردگان خود فرض کرده و آنها را استثمار می‌کنند؛ اما اهل بیت علیهم السلام همواره والاترین رفتارهای انسانی را با زبردستان داشته و دیگران را نیز به این روش توصیه می‌کردند.

۱. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، پیشین، ص ۴۰۹.

۲. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۶۰۱.

۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۴۵.

از همین رو، امام رضا علیه السلام گاهی یکی از غلامان را برای انجام کاری فرامی‌خواندند. هنگامی که گفته می‌شد: مشغول غذا خوردن است، می‌فرمود: بگذارید غذایش را بخورد، بعد برخیزد.^۱

یاسر، خادم آن حضرت علیه السلام نقل می‌کند که به ما فرمود: «إِنْ قُمْتُ عَلَى رُءُوسِكُمْ وَ أَنْتُمْ تَأْكُلُونَ فَلَا تَقُومُوا حَتَّى تَقْرَعُوا؛^۲ اگر من بالای سر شما ایستادم و شما در حال غذا خوردن بودید، بلند نشوید.» آن حضرت ضمن به رسمیت شناختن ساعاتی خاص برای زیردستان، نظم در امور آنان را مد نظر قرار داده و می‌کوشیدند در هنگام استراحت، عبادت یا غذا خوردن غلامان و زیردستان، آنان را به کار نگیرند.^۳

د- رفتار در جایگاه خویشاوند

امام رضا علیه السلام اهتمام خاصی نسبت به تربیت اعضای خانواده خویش داشته و در اوقاتی که فرصتی فراهم می‌آمد، آنها را گرد هم جمع کرده، صمیمانه با آنها سخن می‌گفت و اسباب هدایت‌شان را فراهم می‌نمود:

«كَانَ الرَّضَاءُ علیه السلام إِذَا كَانَ خَلَا جَمَعَ حَشَمَهُ كُلَّهُمْ عِنْدَهُ الصَّغِيرَ وَ الْكَبِيرَ فَيَحَدِّثُهُمْ وَيَأْتِسُ بِهِمْ وَ يُؤَسِّسُهُمْ؛^۴ هر گاه امام تنها می‌شد و از مسائل روزمره فارغ می‌گردید، اعضای خانواده و اطرافیان را گرد می‌آورد، با آنان سخن می‌گفت و انس و الفت می‌گرفت.»

در عین حال، ایشان جدا از روابط خویشاوندی، ارتباط با بستگان را بر محور حق و حقیقت برقرار می‌نمود؛ به گونه‌ای که ضمن گرمی داشتن خویشاوندان شایسته خود، آنان را مورد شفقت و مهربانی قرار می‌داد و اگر در یکی از بستگان خویش، خلاف و انحرافی در مسائل اخلاقی یا اعتقادی می‌دید، به او تذکر داده یا انتقاد می‌کرد و رابطه خویشاوندی باعث نمی‌شد آن حضرت، از امر به معروف و نهی از منکر خودداری کند.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، پیشین، ج ۶، ص ۲۹۸.

۲. همان.

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، پیشین، ج ۴۹، ص ۱۰۲.

۴. صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، پیشین، ج ۲، ص ۱۵۹.

یاسر، خادم آن حضرت می‌گوید: زید، برادر امام رضا علیه السلام در مدینه خروج کرد و دست به کشتار و آتش‌سوزی خانه‌های بنی‌عباس زد. از این جهت، به «زید النار» معروف بود. وقتی او را دستگیر کردند و نزد امام رضا علیه السلام بردند، حضرت به او فرمود: انتساب به مادرمان حضرت زهرا علیه السلام موجب نمی‌شود گناه کنی و انتظار داشته باشی که وارد بهشت شوی. زید گفت: من، برادر تو هستم. حضرت فرمود: تو تا وقتی برادر منی که خدای متعال را اطاعت کنی. درست مانند فرزند نوح علیه السلام که خداوند فرمود: «او از خاندان تو نیست؛ او عمل غیر صالح است»^۱ و خداوند او را به دلیل معصیتش از خاندان نوح اخراج کرد.^۲

هـ رفتار با میهمانان

میهمان‌نوازی که در همه جوامع، سنتی نیک به شمار می‌رود، موجب می‌شود که مردمان با یکدیگر مهربان بوده، نسبت به هم سخاوت ورزیده و ایثار روا دارند. از همین رو، دین اسلام ضمن تأکید بر این روش پسندیده، حرمت نهادن به میهمان و تکریم جایگاه وی را مورد عنایت قرار داده است.

امام رضا علیه السلام ضمن اینکه غذا خوردن به‌تنهایی را خوش نمی‌داشت و سفره اطعام ایشان همواره گسترده بود، حضور همه افراد از رنگ و نژادهای مختلف را مورد توصیه قرار می‌داد. مردی از اهل بلخ روایت می‌کند که:

در سفر خراسان، امام رضا علیه السلام روزی سفره غذا طلبید و همه غلامان از سیاه و سفید را دعوت کرد و در پاسخ به درخواست یکی از همراهان خود مبنی بر گستردن سفره مجزاً برای غلامان، فرمود: ساکت باش! همانا خداوند و پدر و مادر همه ما، یکی است و شایستگی هر کس، به مقدار کرداش است.^۳

اهتمام به میهمان، در منطق و رفتار امام رضا علیه السلام به گونه‌ای است که علاوه بر پذیرایی، امنیت و آسایش روانی میهمانان را نیز مد نظر قرار داده و از این رو، حتی در زمانی که آن حضرت، مسموم شده و در معرض شهادت قرار داشتند، پس از آنکه نماز ظهر را

۱. سوره هود، آیه ۴۶: «يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ.»

۲. صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، پیشین، ج ۲، ص ۲۳۳-۲۳۴.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، پیشین، ج ۸، ص ۲۳۰.

به جای آوردند، از وضعیّت میهمانان خویش که گویا جویای سلامتی ایشان بودند، پرسیده و ضمن اینکه خود بر سر سفره نشستند، مردم را نیز به سفره غذا دعوت کرده و یکایک را مورد محبت و مهر خویش قرار دادند. هنگامی که همگان غذای خود را خوردند، از فرط مسمومیت بیهوش شدند.^۱

تکریم شخصیت و جایگاه میهمان، مقتضی آن است که اسباب آسایش و راحتی او فراهم شده و دچار کمترین زحمتی نشود. در منطق رفتاری امام رضا علیه السلام مشاهده می‌شود که ایشان راضی به خجالت میهمان خود نشده و در حالی که هیبت امام علیه السلام مانع می‌شد که میهمان، طلب آب نماید، ایشان با علم به این قضیه، خود، طلب آب نموده و میهمان را نیز به نوشیدن آب دعوت می‌نمود.^۲ از این رو، امام رضا علیه السلام به کارگیری میهمان برای کار منزل را ناخوشایند دانسته و به مهمانی که شبی در محضر ایشان بود و پس از کم‌نور شدن چراغ، در صدد اصلاح آن برآمده بود، فرمود: ما مردمی هستیم که از مهمان خود کار نمی‌کشیم. بنابراین، ایشان را از این کار بازداشته و خود به اصلاح چراغ پرداختند.^۳

امام رضا علیه السلام در خصوص فرد دیگری که میهمان آن حضرت بوده و جهت پرسش سؤال تا پاسی از شب در محضر آن حضرت مانده بود، امنیت وی را مد نظر قرار داده و از وی دعوت کردند که به دلیل خطرات احتمالی در نیمه شب، برای خواب در آنجا بمانند. از همین رو، ایشان بستر خواب را برای میهمان گسترانیدند، شخصاً ملحفه و لحاف بر وی افکنده و برایش دعا کردند. جالب است وقتی میهمان از این که مورد محبت ویژه امام رضا علیه السلام قرار گرفت، به غرور دچار شد، امام علیه السلام با درک این معنا، بازگشته و به وی در این خصوص هشدار داده و او را به تقوا و دقت در اعمالش فراخواند.^۴

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، پیشین، ج ۴۹، ص ۲۹۹.

۲. همان، ص ۳۱.

۳. همان، ص ۱۰۲.

۴. همان، ص ۳۷ - ۳۶.